

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

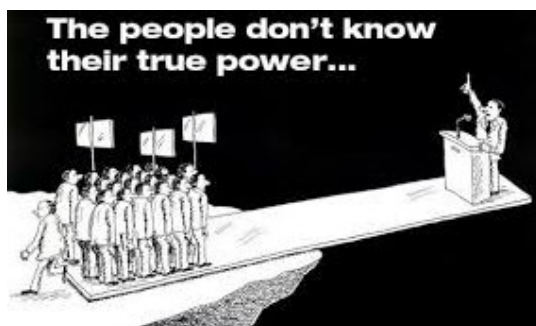
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سرمقاله گاردین (ارگان حزب کمونیست استرالیا)
برگردان: آمادور نویدی و یادداشت پورتال
۱۰ دسمبر ۲۰۱۹

قدرت خلق!



خلق نه هیچ تانکی دارد، نه بمبی، و نه راکت کروز دارد و یا سلاح هسته‌ئی. شرکت ثروتمندی هم ندارد که بتواند فعالیت‌هایش را تأمین مالی کرده و سرمایه گذاری کند. روزنامه قدرت‌مندی ندارد که نظرات و فعالیت‌هایش را به اطلاع عموم برساند.

اما همین خلق دارای قدرت میلیون‌ها انسان است که جهت رسیدن به احتیاجات و سیاست‌های خود عمل می‌کنند و این قدرتی جهانی‌ست. این قدرت در اقدامی بی سابقه و هم‌آهنگ شده علیه جنگ، و فقر ناشی از برنامه‌های ریاضت اقتصادی تحمیل شده توسط دولتهائی‌ست که در خدمت خواسته‌های سیری‌ناپذیر جهت سود شرکت‌های فراملی هستند. قدرت خلق همه استدلال‌های اخلاقی و حقانیت را در کنار خود دارد. تصمیمات حامیان جنگ تنها با دروغ قابل دفاع است. قدرت خلق بازتاب احتیاجات مردم در مقیاس جهانی‌ست. این قدرت بیان‌گر منافع واقعی ملی تمام کشورهاست. مسأله صلح یا جنگ مسأله ای جهانی‌ست که بر زندگی میلیون‌ها انسان در حال افزایش تأثیرگذارست. تنها گروه کوچکی از دولت‌ها هستند که برای جنگ، تجاوز، تهاجم و اشغال بقیه کشورها برنامه ریزی می‌کنند و در نظر دارند این بی‌عدالتی را به بقیه کشورها و مردم جهان تحمیل کنند، در حالی‌که اکثر قریب به اتفاق دولت‌ها و مردم جهان مخالف جنگ و عواقب آن هستند.

این جنبش تنها علیه هر جنگ خاصی نیست، بلکه به طور کلی علیه جنگ‌هایی‌ست که به مدت هزاران سال باعث رنج و عذاب و مرگ میلیون‌ها و میلیون‌ها انسان‌های بی‌گناه شده است. مردم جهان اکنون «نه به جنگ» می‌گویند، یعنی که باید علیه جنگ بود و آن را رد نمود. مردم جهان خواهان محو جهانی تمام سلاح‌های جنگ هستند.

عوامل زیادی به جنبش کنونی کمک کرده است. جنبش منع بمب و مخالفت با جنگ ویتنام، خواهان خلع سلاح کامل بین المللی و مخالف استفاده از سلاح‌های بیولوژیک و کیمیایی است، و جنبش‌های ضدجهانی سازی و زیست محیطی و جنبش‌های مخالف صندوق بین المللی پول و بانک جهانی همه نقش داشته و کمک کرده اند.

پشت تبلیغات قدرت‌های حاکم، سیستمی وجود دارد که با ایجاد جنگ رونق گرفته و پیشرفت می‌کند، و هرگز از جنگ به عنوان ابزار دستیابی به اهداف خود کوتاهی نمی‌کند. سیستم مذکور با حرص و طمع تحریک می‌شود و جهت اشغال کشورهای دیگر، و به جنگ گرفتن منابع و استثمار مردم آن کشورها حرکت می‌کند - این سیستم امپریالیسم است که به نوبه خود محصول سرمایه داری است.

آن‌ها- امپریالیست‌ها خواهان بازگشت دوران استعماری هستند که در آن تمام کشورها تحت کنترل نظامی، اقتصادی و سیاسی آن‌ها قرار بگیرند. جنگ تنها زمانی از جامعه انسانی خارج رخت بر می‌بندد که سیستمی که با جنگ پیشرفت می‌کند، جایگزین گردد. دیر یا زود دارد، اما سوخت و سوز ندارد. این امر باید به هدف جنبش ضدجنگ تبدیل گردد. قدرت خلق محو نشدنی است. اکنون مردم جهان می‌توانند ببینند که چقدر قدرت‌مند شده اند، زیرا که در هرکشوری متحدانی دارند. این یک جنبش واقعاً بین المللی، و ترکیبی است از مردم همه ملیت‌ها، همه مذاهب و همه به جز راست‌گرایان طیف سیاسی.

با بروز جنگ برخی این‌گونه فکر می‌کنند که «نمی‌توان هیچ کاری کرد»، و علی‌رغم همه مبارزات مردم، دولت‌ها هیچ توجهی به شهروندان خود نمی‌کنند. این ایده در مورد برخی از دولت‌ها حقیقت دارد. بنابراین، وظیفه این‌ست که چنین دولت‌هایی را از ریاست برکنار نمود. این در اولویت وظیفه مردم استرالیا (و جهان - م) است که دولت ائتلاف، دولت جنگ و خیانت ملی را برکنار نمایند.

قدرت خلق باید دولت‌های جدیدی تشکیل دهد که واقعاً جهت احتیاجات عموم مردم و مهمتر از همه، برای حل مسالمت‌آمیز مناقشات بین المللی تلاش نماید.

همان‌گونه که جنبش جهانی علیه جنگ ائتلافی از بسیاری نیروهاست، دولت‌های خلقی جدید با سیاست‌های جدید نیز می‌توانند ائتلاف‌هایی تشکیل دهند که نیروهای سیاسی را بر اساس یک برنامه سیاسی و اقتصادی توافق شده متحد نمایند.

از جنگ می‌توان جلوگیری نمود، اما اگر هر اتفاقی بیفتد، قدرت جهانی خلق متولد شده است که آینده ای بهتر و صلح آمیز را برای خلق‌های تمام کشورها به ارمغان می‌آورد.

به قدرت خلق خوش آمد می‌گوئیم!

برگرداننده شده از:

Guardian
The Workers' Weekly

Issue #1896 • November 27, 2019

Editorial

People's Power!

بیادداشت:

با در نظر داشت این که "جنگ" بنا بر ماهیت آن به انواع مختلفی تقسیم می گردد از جمله جنگ های عادلانه و جنگ های غیر عادلانه، جنگ های انقلابی و جنگ های ضد انقلابی، جنگ های آزادیخواهانه و جنگهای اشغالگرانه و ...، به نظر ما نفی جنگ به صورت کلی هیچ نسبتی با مارکسیزم، لنینیسم ندارد تا چه رسد به پیروی از اندیشه های مائوتسه دون که صریحاً اعلام داشت: "جنگ را فقط می توان با جنگ از بین برد"

به نظر ما از یک جنبش عمومی و سرتاسری که از آحاد مردم یک کشور و یا هم مردمان کشور های متعدد در آن گرد آمده اند و از مقاومت منفی گاندی تا ایادی استعمار در آن اجتماع می نمایند، نمی توان و نباید این انتظار را داشت تا بین جنگهای عادلانه و غیر عادلانه و بین جنگهای آزادیخواهانه و جنگهای اشغالگرانه تفکیکی قابل شوند، چه در چنان حرکتی به صد ها و هزاران تن از آنها نیز وجود دارند که به نفع استعمار خواهان حفظ و وضعیت موجود اند. آنها آگاهانه تمام جنگها را در یک توبره می اندازند تا توده های میلیونی تحت ستم امپریالیسم و ارتجاع را از تقابل با آنها بازدارند.

مگر خواندن چنین مطالبی از یک حزبی که ادعای تعلق به مارکسیزم- لنینیسم دارد و با وجود نقش قهر انقلابی و جنگهای آزادیبخش در ایجاد جوامع جدید از بطن مناسبات و جوامع کهن که از مارکس و انگلس گرفته تا لنین، ستالین، مائو، کاسترو، چه و صد ها و هزاران رهبر و کادر جنبش کمونیستی بین المللی در پای تحقق آنها جان باخته اند، سخت جای تأمل توأم با تأسف است و آنهم بدان دلیل که جنبش کمونیستی با وجود اضمحلال دولت شورا ها متأثر از خروشچفیزم و گذار مسالمت آمیز وی، قادر نشده درسهایی لازم را از خیانت خروشچف و بندش بیاموزند و هنوز هم چنان فریاد می زنند تو گوئی خروشچف از مرداب رویونیسم برخاسته و عریده می کشد.

اداره پورتال- AA-AA